



دکتر امید علی شهنی کرمزاده

عضو هیأت علمی بازنشسته دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر

سال بازنشستگی: ۱۳۹۶

دکتر امید علی شهنی کرمزاده در سال ۱۳۲۳ در شهرستان مسجد سلیمان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان سینا و دوره دبیرستان را در دبیرستان سبزآباد و نوروز شهرستان مسجد سلیمان به پایان رسانید و در سال ۱۳۴۳ موفق به دریافت دیپلم متوسطه در رشته ریاضی گردید، همچنین در این سال شاگرد اول استان خوزستان در رشته ریاضی گردید. مقطع کارشناسی رشته ریاضی را در سال ۱۳۴۸ در دانشگاه تهران با احراز رتبه اول و کسب عنوان فارغ التحصیل ممتاز کشور در آن سال به پایان رسانید. مقطع کارشناسی ارشد ریاضی را در سال ۱۳۵۰ از دانشگاه اکستر انگلستان و مقطع دکترای ریاضی را در رشته جبر در سال ۱۳۵۳ از همین دانشگاه به پایان رسانید و در ۲۷ سالگی مفتخر به اخذ دکترای ریاضی از این کشور شد.

دکتر شهنی کرمزاده در سال ۱۳۵۳ با مرتبه استادیاری در دانشگاه جندی شاپور اهواز مشغول به خدمت گردید، در سال ۱۳۵۷ به مرتبه دانشیاری و در سال ۱۳۶۲ به مرتبه استادی ارتقاء یافت.

ایشان علاوه بر شرکت در کنفرانس‌های ریاضی خارج از کشور و ایراد سخنرانی در چندین المپیاد جهانی ریاضی، در چندین دوره نیز به عنوان سرپرست تیم اعزامی ایران در المپیاد جهانی ریاضی حضور داشته‌است. وی از اولین کسانی بودند که به دانش‌آموزان المپیاد ریاضی کشور قبل از اعزام به خارج آموزش می‌دادند و سالها عضو تیم

سرپرستی دانش‌آموزان المپیاد ریاضی و همچنین در چندین دوره متوالی عضو و سرپرست کمیته برگزاری مسابقات ریاضی دانشجویی کشور بوده‌اند.

دکتر کرم زاده عضو هیأت تحریریه مجلات نشر ریاضی، بولتن انجمن ریاضی ایران و مجله ریاضی دانشکده علوم دانشگاه تهران و مجله علوم دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشند. ایشان عضو انجمن ریاضی ایران، انجمن ریاضی ایالات متحده آمریکا، انجمن ریاضی انگلستان و انجمن ریاضی ژاپن می‌باشند. ایشان هم چنین عضو اتحادیه ریاضی معلمان آمریکا هستند.

دکتر کرم‌زاده استاد راهنمای اولین دانشجوی فارغ‌التحصیل دکترای ریاضی در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه شهید چمران اهواز بوده‌اند. علاوه بر این گروه ریاضی دانشگاه شهید چمران اهواز اولین گروهی بود که در سال ۱۳۷۰ در این دانشگاه دوره دکتری را دایر نمود. ضمناً اولین فارغ‌التحصیلان گروه در ریاضی در دوره دکتری (۲ نفر)، اولین فارغ‌التحصیلان دکترای ریاضی در ایران بوده‌اند که تمام دوره خود را در ایران گذرانده‌اند.

#### مسئولیت‌های اجرایی :

مدیر گروه ریاضی از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶

رئیس دانشکده علوم ریاضی از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸

مدیر گروه ریاضی از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۰

رئیس دانشکده علوم ریاضی از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶

عضو هیأت ممیزه دانشگاه شهید چمران اهواز

عضو شورای دانشگاه

#### جوایز و مدال‌ها:

❖ جایزه ویژه ترویج علوم در سال ۱۳۸۳ توسط انجمن ترویج علم ایران

❖ چهره ماندگار کشور در سال ۱۳۸۴

## سخنان و خاطره‌هایی به نقل از دکتر امیدعلی شهنی کرم‌زاده

### دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر

ایشان به همراه دکتر موری و دکتر درفشه در زمان تحصیل‌شان در انگلستان تصمیم گرفتند پس از اتمام تحصیل خود به دانشگاه جندی شاپور اهواز که نزدیک‌ترین دانشگاه به شهرشان، مسجدسلیمان بود، مشغول خدمت شوند. به گفته دکتر کرم‌زاده « یک ماه پیش از اتمام تحصیل در انگلستان، شخصی به نام فریدون افتخار شاهرودی که در آن زمان عضو مشترک گروه زیست و آمار دانشگاه جندی شاپور بود، سراغ من آمدند، ایشان مأموریت داشتند دانشجویان ایرانی را در دانشگاه‌های اروپا و امریکا شناسایی و ترغیب به آمدن و جذب در این دانشگاه کنند، به این منظور در قبال فقط یک تعهد کتبی که از دانشجویان برای خدمت در دانشگاه دریافت می‌کرد، مبلغ قابل توجهی حقوق ماهیانه به آن‌ها پرداخت می‌کرد که این مسأله نیز انگیزه فعالیت در دانشگاه جندی شاپور را در این افراد مضاعف می‌کرد (البته ایشان از قبل تصمیم آمدن به اهواز را داشت و پولی هم دریافت نکرده بود). دکتر کرم‌زاده پس از استخدام در دانشگاه، بی‌آنکه تجربه‌ی مسئولیت اجرایی و اداره گروه را داشته باشد به دلیل آن‌که بعد از رئیس دانشکده، تنها دکترای دانشکده بودند، با تکیه بر سابقه‌ی تحصیل، تدریس و تجارب خود، مدیریت گروه ریاضی را در دانشکده به عهده گرفت.

یکی از خاطراتی که ایشان از این دوره بیان می‌کنند به شرح زیر است: « پس از آن‌که مدیریت گروه را پذیرفتم سعی کردم با چالش‌ها و مشکلات پیش رو مواجه و برای حل آن راهکارهایی بیابم، یکی از مشکلات عدم وجود آیین‌نامه‌ی آموزشی مدون و شیوه‌ی مناسب برای بایگانی سوابق و پرونده‌های آموزشی دانشجویان بود که باعث می‌شد برخی از دانشجویان در طول یک ترم تا ۳۵ واحد درسی اخذ کنند و همین امر موجب مشروطی و افت تحصیلی آن‌ها می‌شد که پس از هم‌فکری با مدیران گروه‌های دیگر، تصمیم گرفتیم چارت واحدهای درسی، برنامه حضور اساتید و ساعت تشکیل کلاس‌ها را تدوین کنیم و در اختیار دانشجویان قرار دهیم تا با مشکل آموزشی روبه‌رو نشوند. در آن ایام از یک هفته قبل از شروع ثبت نام، مدیران گروه برای تهیه این دفترچه‌ها (بروشورهای راهنمای تحصیل) به تعداد دانشجویان، تا نیمه شب در دانشگاه مشغول به کار بودند و شور و هیجان خاصی هم در میان اعضای هیأت علمی و هم دانشجویان ایجاد می‌شد که بسیار خاطره‌انگیز بود».

دکتر کرم‌زاده در بخش دیگری از صحبت‌های خود یادآور شد: « یک روز نماینده‌ی یک ناشر معروف هلندی به اتاقم آمد و ادعا کرد می‌تواند بیشتر ژورنال‌های معتبر دنیا از بدو انتشار تا آن زمان را برای گروه ما ارسال کند، من هم از این موضوع به وجد آمدم و به حسابدار دانشکده (زنده یاد آقای مصطفی جزایری) گفتم برای تهیه تعداد زیادی از این ژورنال‌ها، سیصد هزار تومان هزینه کند. در آن زمان افزایش قیمت نفت در دنیا موجب شده

بود دانشگاه از بودجه کافی برخوردار باشد، یک ماه پس از حضور ناشر هلندی ژورنال‌ها به دانشکده رسید. بعضی از پرسنل آن زمان دانشکده از این موضوع و صرف چنین هزینه‌ای برای تهیه‌ی ژورنال‌های علمی ناراضی بودند و گهگاه غرولند می‌کردند (البته بیشتر برای زحمت حمل کتابها به کتابخانه) اما با توضیحاتی که به آنان دادم قانع شدند و این امر موجب شد تا ضمن بهره‌گیری هیأت علمی و دانشجویان از این منابع، امروز ژورنال‌هایی را در کتابخانه دانشکده علوم داشته باشیم که در هیچ یک از دانشگاه‌های کشور وجود ندارد).

دکتر کرم‌زاده در ادامه سخنان خود به آزادی عمل مدیران گروه‌ها و اعتمادی که ریاست دانشگاه و وزارت علوم آن زمان، به آنان داشت اشاره می‌کند و می‌گوید: « آن زمان رئیس دانشگاه این مجوز را به مدیران گروه‌ها داده بود تا هر دانشجوی ایرانی را که می‌شناسند و مورد تاییدشان است از سراسر دنیا، با مبلغ هنگفتی، دعوت به همکاری نمایند و در قبال آن صرفاً یک تعهد کتبی از آنان دریافت کند تا پس از اتمام تحصیل، در این دانشگاه مشغول خدمت شود. توجه داشته باشید با وجود این‌که من بورسیه شاگرد اولی وزارت را داشتم به من، همسر و فرزندم حقوق ماهیانه معادل ۵۰۰ تومان که بعدها ۶۰۰ و ۷۰۰ تومان شد پرداخت می‌کردند در حال که دانشگاه جندی‌شاپور به افرادی که دعوت به همکاری می‌کرد ماهیانه ۲۵۰۰ تومان (قبل از شروع به کار در دانشگاه) پرداخت می‌کرد. بنابراین از این فرصت استفاده کردم و افرادی مثل (دکتر سلماسی، دکتر موری، دکتر درفشه، دکتر دانشمند، دکتر امیرخانیان و...) را برای همکاری دعوت کردم که اغلب پذیرفتند و به دانشگاه آمدند. با حضور این افراد در گروه خیلی زود توانستیم به عنوان یکی از قویترین گروه‌های ریاضی کشور مطرح شویم.

ایشان یکی از خاطرات جالب خود را نحوه شکل‌گیری گروه کامپیوتر عنوان می‌کنند: « یک روز یکی از مقامات کشوری به اتفاق رئیس دانشگاه، بدون اطلاع قبلی به اتاقم آمدند. بعد از گپ و گفت مختصر، ایشان از من سوال کردند: دانشجویان در این دانشکده چه می‌خوانند؟ من پاسخ دادم: ریاضی محض. باز سوال کردند: آیا دانشجویان به این رشته علاقمند هستند؟ من گفتم: اکثراً بعد از اتمام تحصیل مجبور به استخدام در آموزش و پرورش می‌شوند و یا اگر در ادارات دولتی مشغول به کار شوند، در مقایسه با مهندسان که رشته تحصیلی‌شان سخت‌تر و پر زحمت‌تر نیست، حقوق کمتری دارند و در واقع پرداخت حق کار فنی به مهندسان و عدم پرداخت این امتیاز به فارغ‌التحصیلان رشته‌های محض، باعث شده اکثر دانشجویان با رغبت کافی به ادامه تحصیل نپردازند. ایشان بلافاصله گفتند: چرا این رشته را با رشته‌های امروزی مثل کامپیوتر ادغام نمی‌کنند تا هم ماهیت ریاضی آن و هم وجه کاربردی آن باعث ایجاد انگیزش در دانشجویان شود. رئیس دانشگاه بلافاصله این پیشنهاد را یادداشت و یک هفته بعد در جلسه شورای دانشگاه طرح تصویب دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر را ارائه کرد. در دانشکده علوم ریاضی رشته‌های ریاضی، آمار و کامپیوتر وجود داشت. با ایجاد رشته کامپیوتر، وزارتخانه دستگاه‌های **IBM** و دستگاه‌های ماکرو را در اختیار دانشگاه قرار داد و سایت فعلی مرکز کامپیوتر را در آن زمان

احداث نمودند. در واقع دانشگاه ما اولین دانشگاه در خاورمیانه بود که رشته کامپیوتر را در دانشکده علوم ریاضی ایجاد کرد. در آن زمان دانشگاه صنعتی شریف، کامپیوتر را به عنوان گرایشی از رشته‌ی ریاضی ارائه می‌کرد. می‌توان گفت فارغ‌التحصیلان رشته کامپیوتر دانشکده ما اولین کسانی بودند که به عنوان مهندسان کامپیوتر در کشور معرفی شدند و این رشته را گسترش دادند. شایان ذکر است برای ایجاد و راه‌اندازی این رشته از تجربیات دو تن از متخصصان خارجی استفاده کردیم.

دکتر کرم‌زاده با اشاره به موضوع حق‌التدریس اعضای هیأت علمی خاطر نشان می‌کنند: « در دانشکده علوم از لحاظ سرویس‌دهی، اکثر اساتید واحدهای زیادی را تدریس می‌کردند، خیلی بیشتر از میزان موظفی‌شان اکثراً به‌طور متوسط بیش از ۱۶ واحد تدریس می‌کردند به خصوص اعضای گروه فیزیک و ریاضی. در دانشکده‌های کشاورزی و علوم تربیتی این میزان خیلی کمتر بود، اما همه این موضوع را روال طبیعی آکادمیک تلقی می‌کردند و چیزی به عنوان حق‌التدریس وجود نداشت اگر چه قوانینی وجود داشت که افراد در صورت تمایل می‌توانستند حق‌التدریس بگیرند.

آن‌چه که اهمیت داشت احساس تعهد و عشق بود. همه احساس وظیفه می‌کردند بنابراین دروسی را که در تخصص‌شان بود با عشق و علاقه تدریس می‌کردند و از این‌که همکار دیگری ساعت تدریس کمتری داشت و حقوق یکسانی دریافت می‌کرد ناراحت نبودند و اعتراضی نداشتند.

ایشان در بیان خاطرات خود به موضوع دیگری پرداخت و گفت: « در آن زمان، دانشگاه به همه مربیان بعد از گذراندن سه سال تحصیل، بورس تحصیلی می‌داد. شادروان دکتر منصور معتمدی و دکتر محمد رستمی هر دو فارغ‌التحصیل فوق لیسانس از دانشگاه شیراز و مربی دانشگاه جندی شاپور بودند که هم‌زمان به دانشگاه آمده بودند و یکی از آن‌ها می‌بایست برای بورس تحصیلی به خارج از کشور می‌رفت، با پیشنهاد من قرار شد دکتر رستمی که سنش بالاتر است برای بورس تحصیلی به خارج از کشور برود. هر دو پذیرفتند و هیچ بحثی میان آن‌ها پیش نیامد. سال بعد نیز دکتر معتمدی از بورس تحصیلی استفاده کردند، اما با وقوع انقلاب هر دو، کار خود را نیمه تمام گذاشتند و به وطن بازگشتند.

دکتر کرم‌زاده خاطره بعدی خود را چنین بیان می‌کنند: «رئیس دانشکده‌ی علوم تربیتی شخصی با نام خسرو چهارزاد بود که یک مربی بود و تعداد قابل ملاحظه‌ای دکترای روان‌شناسی و علوم تربیتی مشغول به تحصیل در آن دانشکده بودند که همگی برای ایشان احترام خاصی قائل بودند، به یاد دارم رئیس دانشگاه بدون اجازه و مشورت با رئیس دانشکده و مدیر گروه، از شخصی دعوت به کار کرد، اما آقای چهارزاد (رئیس دانشکده) و مدیر گروه زیر بار استخدام ایشان نرفتند و رئیس دانشگاه مجبور شد از آن شخص در قسمت اداری امور دانشجویی استفاده کند. آن زمان اداره مدرسه‌ی دانشگاه زیر نظر دانشکده علوم تربیتی بود، یکی از بهترین مدارس آن زمان

اهواز بود که با توجه به جوان بودن دانشگاه فقط مقطع ابتدایی راه اندازی شده بود که در آن از بهترین امکانات و نیروی انسانی استفاده می‌شد، فضای مدرسه با نشاط و منطبق بر آخرین دستاوردهای تعلیم و تربیت بود و طوری برنامه‌ریزی شده بود که بچه‌ها با اشتیاق و علاقه به مدرسه می‌رفتند. از همان کلاس اول ابتدایی زبان انگلیسی به بچه‌ها آموزش داده می‌شد و خلاصه این‌که این مدرسه یکی از بهترین مدارس اهواز حتی کشور بود که برای پذیرش فرزندان غیردانشگاهی کنکور و آزمون ورودی داشت. در آن سال‌ها فرزندی یکی از مقامات عالی رتبه شهر در آزمون ورودی قبول نشد و گویا از خارج دانشگاه سفارش می‌شد که او را ثبت نام کنند اما باز رئیس دانشکده علوم تربیتی نپذیرفت و او را ثبت نام نکرد.

ایشان یکی از خاطرات فراموش نشدنی خویش را چنین بیان کرد " در ایام جنگ و زمانی که شهر زیر بمباران شدید دشمن بود، اداره پست مرکزی نامه‌ها را در باجه‌های پستی دانشگاه توزیع نمی‌کرد. اما ما در مورد کارهای پژوهشی و ارسال مقالات، منتظر پاسخ داوران و سردبیران مجلات بودیم. به یاد دارم یک روز که منتظر نامه‌ای بودیم و با مرحوم دکتر معتمدی، به اداره پست اهواز رفتیم، مسئول اداره پست لطف کرد و ما را به اتاقی راهنمایی کرد که انباشته از کیسه‌های بزرگ نامه‌ها بود. ایشان به ما اجازه داد تمام کیسه‌ها را باز و کف اتاق پخش کردیم تا نامه مورد نظر خود را بیابیم. خوشبختانه دو سه مقاله و کار تحقیقاتی ارزشمند من در آن ایام و در آن وضعیت انتشار یافت."

ایشان همچنین اشاره کرد "برگزاری ششمین کنفرانس ریاضی کشور بود که قبل از ورود من، همکاران گروه به سرپرستی مرحوم آقای دکتر علی عمیدی فعالیت‌های مستمر و زیادی برای برگزاری آن انجام داده بود و این کنفرانس به حدی خوب برگزار شده بود که تعدادی از همکاران سراسر کشور، پس از برگزاری آن، تقاضای انتقال به گروه ما و دانشگاه اهواز را داشتند. برگزاری آن کنفرانس مدیون فعالیت‌های دکتر عمیدی و دیگر همکاران گروه ریاضی بود که تعدادی ریاضی‌دان برجسته‌ی دنیا نیز در آن کنفرانس شرکت کردند. ششمین کنفرانس تا حدی خوب برگزار شد که پس از آن چندین بار که نوبت برگزاری کنفرانس به ما می‌رسید هر بار فکر می‌کردیم نمی‌توانیم کنفرانسی به آن خوبی برگزار کنیم و شانه خالی می‌کردیم تا این‌که بالاخره در سال ۸۳ این مسئولیت را پذیرفتیم و با حمایت‌های سازمان آب و برق، شرکت نفت، شیلات بندر امام، صنایع فولاد و به ویژه حمایت‌های بی‌دریغ مهندس شمسایی توانستیم کنفرانسی با شکوه‌تر از کنفرانس ششم برگزار کنیم که به گفته‌ی همکاران دانشگاه‌های دیگر یکی از بی‌نظیرترین کنفرانس‌ها بود.

استاد محمد نوری چهره‌ی ماندگار موسیقی و آواز که تا آن روز در هیچ جایی خارج از تهران برنامه‌ی زنده اجرا نکرده بود در بخش جانبی، با برگزاری کنسرت خود به این کنفرانس شکوه خاصی بخشید. زمانی که برای دعوت از ایشان شخصاً به تهران رفتم ابتدا نپذیرفتند اما وقتی به ایشان گفتم مخاطبان کنسرت شما در تهران صرفاً

تهرانی‌ها هستند اما اگر در این کنفرانس برنامه‌تان را اجرا کنید حداقل ۱۰۰۰ نفر چهره علمی از سراسر کشور تماشاگر کنسرت شما خواهند بود، ایشان با روی باز پذیرفتند.

وقتی از من خواسته شد چند کلمه‌ای در مورد استاد نوری صحبت کنم (بدون آمادگی قبلی)، به این نکته اشاره کردم که اگر چه اغلب افراد شرکت کننده در این کنفرانس باید نتایج جدیدی به علم ریاضیات و فیزیک نظری بیفزایند و استاد نوری با وجود این که در این زمینه تخصصی ندارند اما ثابت کرده‌اند سرعت رسیدن صدای او (سرعت صوت) به قلب‌ها و گوش‌ها بیشتر از سرعت نور است اگر چه در علم فیزیک، این یک تناقض است و سرعت صوت بسیار کمتر از سرعت نور است اما در این جا چون منبع این صوت، نور است (اشاره به نام استاد نوری) بنابراین تناقضی ایجاد نمی‌کند. خاطرم هست بیانیه‌ی گروه ایشان که مهندس برق بودند از من خواست این مطلب را در کتابم (کتاب نتایج باورنکردنی) بنویسم و به یادگار به ایشان هدیه کنم، من هم مشتاقانه پذیرفتم.

برنامه‌ی کنسرت استاد نوری که طی دوشب اجرا شد (یک شب برای شرکت کنندگان و یک شب اعضای هیأت علمی و خانواده‌شان) با استقبال بسیار خوبی مواجه شد جا دارد از مدیران وقت اداره فرهنگ و ارشاد، اماکن و فرمانداری که با برگزاری آن مخالفتی نداشتند، تشکر کنم.

همچنین از زحمات دبیر اجرایی کنفرانس، دکتر فریبرز آذرپناه، و نیز دکتر رضایی، دکتر سراج و دکتر مهرداد نامداری و سایر افرادی که از یک سال، پیش از برگزاری کنفرانس با علاقه و اشتیاق در هر چه بهتر برگزار کردن آن فعالیت کردند تشکر و قدردانی کنم. در ضمن دوستان این لطف را به اینجانب داشتند که قسمتی از برنامه‌ی کنفرانس را به تولد ۶۰ سالگی من اختصاص دادند. این جشن تولد برای اولین بار بود که در برگزاری کنفرانس‌های ریاضی اتفاق می‌افتاد، هرگز آن کیک صد کیلویی که شاید از معدود کیک‌های صد کیلویی کشور بود از یادم نخواهد رفت. کیک‌ی که دنیایی از لطف و محبت دوستان و همکاران را در خود داشت. برگزاری این کنفرانس به ما نشان داد که با همکاری و وحدت میان افراد یک گروه می‌توان هر برنامه‌ای را به نحو احسن انجام داد.

## نوشته‌ای از دکتر مهرداد نامداری

عضو هیات علمی دانشکده علوم ریاضی و کامپیوتر

### در باره دکتر کرم‌زاده

امیدعلی شهنی کرم‌زاده در ۱۶ آذر سال ۱۳۲۳ در مسجد سلیمان در یک خانواده اصیل بختیاری به دنیا آمد. وی در همان کودکی پدر خود را از دست داد و بنابراین، بیشتر خاطرات کودکی را با مادرش دارد، و به همین دلیل همیشه از آن شادروان به نیکی یاد می‌کند. دوران ابتدایی و دبیرستان را در همان شهر سپری کرد. از همان دوره ابتدایی به ریاضیات علاقه داشت، به طوری که هم‌شاگردی‌های خود را در این درس کمک می‌کرد و همین امر باعث شد که در دوران دبیرستان به دیگر دانش‌آموزان به صورت خصوصی تدریس کند. به گفته خود استاد و هم‌کلاسی‌هایش که من هم با بعضی از آنان آشنایی دارم در تعطیلات تابستان دروس ریاضی سال قبل را به بچه‌های دیگر درس می‌داد و حتی در تابستان بعد از کلاس یازدهم درس هندسه ترسیمی و رقومی را (که یکی از دروس بسیار سخت آن دوره بود) با مطالعه کتاب شادروان بیرشک، هم خودش خوب یاد گرفته بود و هم به دانش‌آموزان بزرگ‌تر از خودش درس می‌داد، بدین ترتیب چون درس‌ها برایش تکرار می‌شد، همیشه در سال تحصیلی جدید هم به درس‌های سال قبل خوب مسلط بود و هم درس‌های سال بعد را تا حدودی خوانده بود و به همین دلیل می‌توان گفت که در واقع کرم‌زاده حرفه معلمی را از سنین کم، با علاقه بسیار زیاد شروع کرده بود. در سال ۱۳۴۴ در امتحانات نهایی سال آخر دبیرستان شاگرد اول استان شد و در همان سال در دانشگاه تهران در رشته ریاضی تحصیلات دانشگاهی خود را آغاز کرد. تعداد قابل توجهی از هم‌کلاسی‌های او در دانشگاه تهران بعدها اشخاص برجسته‌ای در داخل و خارج از کشور شدند. یکی از خاطراتی که ایشان همیشه از آن دوره تعریف می‌کند، کلاس‌هایی بود که با زنده‌یاد پروفیسور هشترودی داشتند. کرم‌زاده همیشه از هشترودی به عنوان کسی که بیشترین خدمت به ریاضیات کشور را کرده است یاد می‌کند و به نظر ما هم که شاگردان کرم‌زاده هستیم، وی نیز همین نقش را در طول زندگی خود، در جامعه ریاضی ایران داشته است و الآن که این جمله را دارم می‌نویسم یاد برنامه تلویزیونی قاصدک افتادم که سالها پیش، از تلویزیون پخش می‌شد، که فکر می‌کنم مجری آن زنده‌یاد حسن جوهرچی بود. در یکی از قسمت‌های آن برنامه که از کرم‌زاده دعوت شده بود، به استاد گفتند: ما شنیده‌ایم که اگر شما از اهواز به تهران منتقل می‌شدید الآن وضع ریاضیات مملکت خیلی فرق می‌کرد. فعلا برگردم به ادامه



سرگذشت تحصیلی استاد. او در سال ۱۳۴۸ در رشته ریاضی محض از دانشگاه تهران با رتبه اول و به عنوان دانش‌آموخته ممتاز دانشگاه‌های کشور (با معدل A یا ۴) مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد و به همین دلیل با بورس دولتی آن زمان برای ادامه تحصیل راهی انگلستان شد و تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه اکستر انگلستان آغاز کرد. در دوره دکتری در دانشگاه اکستر، پروفیسور دیوید ریس را به عنوان استاد راهنما انتخاب کرد و جالب است این نکته را یادآوری کنم که وقتی به پروفیسور ریس گفت تصمیم دارد در زمینه جبر ناجابجایی کار کند، ریس به کرم‌زاده گفت من در این زمینه تخصص ندارم و برای من خیلی سخت است که تصور کنم  $a \times b$  با  $b \times a$  مساوی نیست و به همین دلیل بهتر است شما در دانشگاه لیدز با پروفیسور گلدی Goldie که در این زمینه تخصص دارد، کار کنید. ولی کرم‌زاده در خاطراتش می‌گوید که من فکر کردم ریس شکسته‌نفسی می‌کند و به همین دلیل از ریس خواست که با خود او دوره دکتری را ادامه دهد و ریس هم قبول کرد، ولی گفت که احتمالاً نمی‌تواند کمک زیادی به وی بکند و به همین دلیل هم کرم‌زاده موضوع رساله‌اش را خودش انتخاب کرد و به عبارتی در نوشتن رساله‌ی دکتری از کسی کمک نگرفت، که به نظر من این موضوع تاثیر زیادی در موفقیت‌های بعدی و برجسته بودن وی در میان ریاضی‌پیشه‌های سرشناس کشور داشت. بد نیست در اینجا به یکی از گفته‌های پروفیسور سیاوش شهشهانی که در صحبت‌های خود به مناسبت هفتادوپنجمین سال تولد کرم‌زاده بیان کرده بودند اشاره کنم. ایشان می‌گویند "کرم‌زاده سبک و راه و رسم خودش را در ریاضی دارد و دنباله‌رو فرد یا گروه خاصی نیست البته نه این که با دیگران ارتباط نداشته باشد، بلکه با همه افراد با هر سطح سوادى که داشته باشند ارتباط برقرار می‌کند، حتی گاهی اوقات مجبور است از سطح کارهای پژوهشی خودش پایین‌تر بیاید تا با دیگران وارد بحث علمی شود ولی اینطور هم نیست که خیلی پایین بیاید، بلکه کاری می‌کند که مخاطب سطح خودش را بالاتر بیاورد."

خوب برگردم به ادامه شرح دوران تحصیل کرم‌زاده. به هر حال در سال ۱۳۵۳ در رشته جبر از دانشگاه اکستر مدرک دکتری خود را دریافت کرد و همان موقع به ایران برگشت و فعالیت خود را به‌عنوان مدرس در دانشگاه جندی شاپور اهواز (شهید چمران فعلی) آغاز کرد. او می‌گوید موقعی که تدریس را در آنجا آغاز کرد متوجه شد که مثلاً درس جبر خطی حداکثر در حد آشنایی با عملیات ساده‌ی جمع و ضرب بین ماتریس‌ها تدریس می‌شد و البته خیلی هم غیر طبیعی نبود، چون به گفته خود کرم‌زاده موقعی که خودشان هم در دانشگاه تهران دانشجوی بودند خیلی از اساتید آن نسل هنوز با ریاضیات جدید مثل نظریه‌ی مجموعه‌ها و دروس مشابه آشنا نبودند، به

طوری که مثلا نمادهایی مثل زیرمجموعه و تعلق داشتن به مجموعه را خیلی از افراد نمی‌شناختند. در هر صورت کرم‌زاده از همان ابتدا برای درس جبر خطی ۱ و ۲ طرح درسی را برنامه‌ریزی کرد که تقریبا کل کتاب جبر خطی هافمن را تدریس می‌کرد. تا یادم نرفته همین‌جا بد نیست نکاتی هم راجع به تدریس استاد در دانشگاه بگویم. یکی از ویژگی‌های استاد که من خیلی آن خصوصیت را دوست دارم و تا حدود زیادی خودم هم تا الآن از ایشان تقلید کرده‌ام، این است که در کلاس درس به هیچ‌وجه از کتاب یا یادداشت استفاده نمی‌کند، و براحتی خیلی منسجم و مسلط درس هر جلسه را از اول تا آخر، روی تخته‌سیاه (و اخیرا روی وایت‌برد) می‌نویسد و همزمان توضیحات خیلی آموزنده و کلیدی را بیان می‌کند. یک بار که در محوطه دانشگاه در حال پیاده‌روی بودیم و تجربه‌های تدریسش را به صورت خاطره برای من تعریف می‌کرد، گفت اولین باری که خواستم جبر خطی را تدریس کنم و تابستان قبل از ترم مشغول مطالعه برای برنامه‌ریزی طرح این درس بودم متوجه شدم که اثبات قضیه **Cyclic primary decomposition** در کتاب هافمن، هم طولانی است و هم توضیح دادن آن برای من که عادت نداشتم با خودم یادداشت سر کلاس ببرم کار راحتی نیست. برای همین سعی کردم که همان موقع یک اثبات راحت‌تر و شیک‌تر برای این قضیه بنویسم و اتفاقا همین اثبات را بعدا در نشر ریاضی چاپ کردم و وقتی که همکاران و دانشجویان دانشگاه‌ها، من را در کنفرانس‌ها می‌دیدند به خاطر آن اثبات، کلی تشکر می‌کردند و می‌گفتند با این کار ما را نجات دادی. البته همان موقع متوجه شدم که به هر حال هافمن یک متخصص آنالیز تابعی بود و طبیعی بود که به دلیل اطلاع نداشتن از نظریه مدول‌ها آن اثبات نسبتا پیچیده را داده بود.

یکی دیگر از ویژگی‌های استاد در کلاس درس این بود که همیشه طوری رفتار می‌کرد که دانشجو نگران نمره نباشد و می‌گفت که حتی جلسه امتحان هم آخرین جلسه درس است یعنی دانشجو از همان سوالات امتحان هم یک مطلب جدید یاد می‌گرفت و سعی می‌کرد با دادن سوال‌های انتخابی، دانشجو در جلسه امتحان استرس نداشته باشد. مثلا بیشتر اوقات اولین سوالش این بود:

خودتان یک مسئله یا قضیه بیان کنید و حل کنید.

با اینکه هیچوقت در کلاس درس حضور و غیاب نمی‌کرد ولی همیشه کلاس به قدری پر می‌شد که بیشتر اوقات دانشجویان مجبور بودند از بیرون صندلی بیاورند و این هم بی‌دلیل نبود، چون هم استاد ساده و روان درس می‌داد و هم این که جملات کلیدی و انگیزه‌بخشی می‌گفت که واقعا از طریق آن جملات می‌شد به عمق موضوع پی برد. در حافظه خود من تعداد زیادی از این جملات استاد حک شده که خودم هم در کلاسهای درس از آنها

استفاده می‌کنم. خوب یادم هست که در یکی از کلاسهای نظریه مجموعه‌های ایشان که به صورت مستمع آزاد شرکت می‌کردم (آن موقع من دانشجوی مهندسی مکانیک بودم)، در ارتباط با لم زورن، جمله‌ی جالبی که گفتند این بود:

"هر وقت خواستید با استفاده از لم زورن وجود چیزی با یک خاصیت معین را ثابت کنید، کافی است یک مجموعه تشکیل دهید که اعضای آن، خاصیتی کمتر از آن خاصیت گفته شده داشته باشند و یک ترتیب روی مجموعه تعریف کنید، عضو ماکزیمال یا مینیمال آن مجموعه جواب شما خواهد بود."

یک بار در یکی از کلاسهای استاد مسئله‌ای را مطرح کردند که در انتهای این متن صورت آن مسئله را می‌آورم و گفتند هرکسی این مسئله را تا آخر ترم حل کرد ۵ نمره به نمره امتحانش اضافه می‌کنم. خود من دقیقاً با الهام از جمله‌ی بالا، یک ساعت وقت گذاشتم و حل خیلی خوبی برای آن نوشتم. استاد بعد از دیدن آن حل من را تشویق کرد که برای ادامه تحصیل در امتحان کارشناسی ارشد ریاضی شرکت کنم. همین چندسال پیش نشر ریاضی از دکتر درفشه خواستند که حل آن مسئله را برای نشریه بنویسد.

البته باید اشاره کنم که اگرچه در مطالب بالا بیشتر فعل گذشته را به کار بردم ولی استاد هنوز بعد از بازنشستگی هم لطف می‌کنند و حداقل سالی یک بار یک درس به درخواست دانشکده ریاضی و دانشجویان ارائه می‌دهند. خاطره‌های زیادی از کلاس‌های استاد دارم که متأسفانه در اینجا مجال پرداختن به آن‌ها نیست. پس به همین مقدار در مورد کلاسهای دانشگاهی بسنده می‌کنم و به طور خلاصه به خدمات ایشان در زمینه تحصیلات تکمیلی دانشکده ریاضی می‌پردازم.

بعد از احیای مجدد دوره کارشناسی ارشد در گروه ریاضی دانشکده علوم که بار اصلی این دوره را تا سالها، خود استاد به تنهایی به دوش می‌کشید، با اصرار دکتر عبدالحمید ریاضی معاون آموزشی وقت وزارت علوم، در سال ۱۳۷۰ با پذیرش دو نفر از مربیان با سابقه‌ی گروه ریاضی اهواز، به‌عنوان دانشجوی دکتری، دوره دکتری ریاضی نیز توسط کرمزاده راه‌اندازی شد. حیف است به این موضوع اشاره نکنم که این دو نفر تا آن موقع تنها کسانی بودند که کل دوره تحصیلشان در اهواز سپری شد و برخلاف خیلی از فارغ‌التحصیلان آن زمان، برای تکمیل رساله دکتری خود، مجبور نشدند به خارج از کشور بروند و تحت راهنمایی استاد در یک بازه سه ساله فارغ‌التحصیل شدند. جالب اینجاست که بیشتر کسانی که کرمزاده به‌عنوان دانشجوی دکتری می‌پذیرفت مربی‌های گروه‌های ریاضی کشور بودند و در واقع شاید یکی از خدمات ارزشمند و تاثیرگذاری که از ایشان می‌توان نام

برد همین مورد است. چون به هر حال برای یک مربی که سن و سالی هم از او گذشته باشد امکان ادامه تحصیل در خارج از کشور راحت نبود. ولی کرمزاده این کار را یکی از رسالت‌های مهم خود می‌دانست و با اینکه گاهی اوقات ممکن بود زحمت خودش هم بیشتر شود ولی همیشه با خوشرویی این کار را انجام می‌داد. به هر حال تعداد زیادی از اعضای هیات علمی هم نسل من و نسل بعد از من یا فرزند و یا نوه علمی استاد هستیم، هم در زمینه نظریه حلقه و مدول و هم توپولوژی و آموزش ریاضی. با مراجعه به سایت <https://www.genealogy.math.ndsu.nodak.edu> مشخصات و تعداد دانشجویان دکتری می‌توان مشاهده کرد. اسامی حدود ۴۰ نفر از فارغ‌التحصیلان دکتری ایشان در سایت بالا قابل مشاهده است. کرمزاده در طول دوره خدمت خود در دانشگاه جوایز و افتخارات زیادی کسب کرد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جایزه ترویج علم، جایزه علامه طباطبایی، چهره ماندگار کشوری، نشان دولتی دانش، عضویت در فرهنگستان علوم و ... ولی هیچ وقت استاد نمونه کشوری نشد، در واقع چون خودش اعتقاد نداشت که برای کسب یک افتخار یا جایزه، طبق آیین‌نامه فرم تکمیل کند. در واقع همیشه می‌گوید مسائل علمی و تحقیق و پژوهش آیین‌نامه‌پذیر نیستند. در کار و فعالیت علمی باید آزادی عمل داشته باشید.

حال که صحبت از پژوهش نیست باید خاطر نشان کنم که استاد در اکثر همایش‌ها و کنفرانس‌های ریاضی کشور به عنوان سخنران کلیدی دعوت می‌شد و نکته قابل توجه این است که تقریباً تمام سخنرانی‌هایش در کنفرانس عمومی بود، بیشترین تعداد مستمع را داشته و البته او برای تنظیم و تهیه مطالب این سخنرانی‌ها کلی وقت صرف می‌کرد ولی جالب اینجاست که در بیشتر آنها از همان ریاضیات پایه دوران جوانی‌اش بهره می‌برد. به جرات می‌توانم بگویم که کرمزاده از جهت این نوع سخنرانی‌های عمومی، در کشور کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است. درستی یا نادرستی این ادعای من را همه همکاران و دانشجویان می‌توانند بررسی کنند.

حال بهتر است به فعالیتهای ایشان در حوزه المپیاد دانش‌آموزی هم اشاره‌ای داشته باشم، که در واقع این یکی از کارهای خارج از دانشگاه بود که کرمزاده بدون هیچ چشم‌داشتی به صورت مشتاقانه، عاشقانه و به صورت دلی انجام می‌داد. بیش از ۱۵ سال عضو اصلی سرپرستی تیم المپیاد ریاضی دانش‌آموزی کشور بود و در حقیقت مسئولیت آموزش و آماده‌سازی علمی تیم را به عهده داشت. همیشه برای تشکیل کلاسهای آمادگی تیم که به صورت اردو در تهران تشکیل می‌شد می‌بایست به تهران می‌رفت و برای مدتی در آنجا ساکن می‌شد تا مطالب

لازم را به دانش‌آموزان، آموزش دهد. استاد همیشه می‌گفت که اکثر مطالبی را که در این اردوها به بچه‌ها می‌گفتم نتیجه مطالعات جنبی خودم در دوران دبستان و دبیرستان بود، و به همین دلیل خودش از این کار خیلی لذت می‌برد. البته مسافرت کردن به تهران در آن سال‌ها که تازه المپیاد در کشور شکل گرفته بود، خیلی هم راحت نبود. چون هنوز جنگ با عراق تمام نشده بود و از اهواز هیچ پروازی به تهران وجود نداشت. معمولاً بلیط اتوبوس هم راحت پیدا نمی‌شد و بنابراین استاد مجبور بود با قطار به تهران برود. ولی مشکل اینجا بود که یکی از پل‌های خط آهن نیز که نزدیک خرم‌آباد بود در حملات هوایی تخریب شده بود، و بنابراین مسافری در یک طرف پل پیاده می‌شدند و پس از عبور از یک دره، در آن طرف سوار یک قطار دیگر می‌شدند. بنابراین تا چند سال این سفرها برای کرم‌زاده بسیار سخت بود ولی هیچ‌وقت از این موضوع شکایتی نداشت. البته در سالهای بعد با پیشنهاد دکتر حداد عادل چند بار تیم‌های المپیاد به اهواز اعزام می‌شدند و استاد کلاسها را در دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کردند. نمی‌توانم به این موضوع اشاره نکنم که کاری که کرم‌زاده یک تنه برای آموزش تیم انجام می‌داد واقعا کاری نبود که در کشورهای دیگر توسط یک نفر انجام شود بلکه در اکثر کشورها یک تیم چند نفره قوی آماده‌سازی دانش‌آموزان را به عهده می‌گیرند. بد نیست در این مورد به یکی از گفته‌های دکتر شهشهانی اشاره کنم که در یکی از این اردوها به کرم‌زاده می‌گوید: "امید تو چطور یک یا دو هفته پشت سر هم برای این بچه‌ها مطلب داری؟"

ولی کار کرم‌زاده فقط در همین اردوها تمام نمی‌شد. او در مسیر حرکت به سمت کشور برگزارکننده مسابقات، در هواپیما و هتل هم دوباره دامنه اطلاعات بچه‌ها را بطور شفاهی تقویت می‌کرد. بعد از برگزاری امتحان هم که سرپرستان کشورهای دیگر به صورت گروهی برگه‌های بچه‌ها را برای تصحیح‌کنندگان توضیح می‌دادند، به گواهی همکاران استاد در تیم سرپرستی، نقش اصلی ارائه کردن جوابهای بچه‌ها به عهده کرم‌زاده بود و با هوش و استعداد ذاتی که در این زمینه داشت، حتی اگر دانش‌آموزی راه حل مسئله را کامل نکرده بود تصحیح‌کنندگان را طوری قانع می‌کرد که بیشترین نمره ممکن را برای آن سوال منظور کنند.

البته ناگفته نماند که در چند سفر افرادی مانند دکتر محمودیان، دکتر تابش و دکتر رضوی هم حضور داشتند (دکتر رضوی به عنوان سرپرست ثابت تیم همیشه حضور داشت). در دو مسابقه نیز زنده‌یاد مریم میرزاخانی نیز عضو تیم المپیاد بود که اتفاقاً در یکی از مسابقات نمره کامل گرفت. در سال ۱۹۹۸ تیم ایران با همت دانش‌آموزان و زحمات استاد مقام اول جهان را بدست آورد که کلی خبرساز شد.

کرمزاده در این سفرها برای سرپرستان کشورهای دیگر یک فرد آشنا محسوب می‌شد. او می‌گوید وقتی که در تایوان اول شدیم همه تبریک می‌گفتند و جوزف پلیکان سرپرست تیم مجارستان که خودش در زمان دانش‌آموزی، سه بار در مسابقات طلا گرفته بود و با استاد خیلی صمیمی شده بود با شور و شوق، به کرمزاده گفت:

## Hey Omid, you did it. !!!

خود استاد می‌گوید تا قبل از این که به مسئله المپیاد پردازد هیچوقت در فکر چاپ مطالبی که در مورد مسائل مدرسه‌ای و آموزش ریاضی از مدتها پیش در حافظه خود داشت، نبود. ولی این موضوع برای او انگیزه‌ای ایجاد کرد که در سال‌های بعد در کنار کارهای تخصصی دانشگاهی‌اش چندین مقاله هم در این زمینه منتشر کند. از جمله این مقالات می‌توان به نامساوی حسابی-هندسی، راز و رمز قضیه مورلی (و چند مقاله دیگر در این مورد)، ریاضیات خانه‌های ریاضی و . . . اشاره کرد. که چاپ بعضی از آنها در مجله معتبر ایتلیجنسر باعث شد که در این مجله از کرمزاده به عنوان یکی از نویسندگان اصلی این مجله نام ببرند.

اما یکی از ویژگی‌های مهم کرمزاده چندبعدی بودن ایشان است، به‌طور طبیعی اگر کسی مطالب قبل را بخواند فکر می‌کند که استاد فقط با درس و کلاس و پژوهش سر و کار دارد. ولی تمام دوستانی که از نزدیک با ایشان آشنا هستند می‌دانند که کمتر کسی به اندازه وی به مسائل اجتماعی توجه دارد. اصلا اینطور بگویم که قسمت عمده وقتش در دانشگاه، صرف حل مشکلات دیگران می‌شود، از دانشجو و همکار هیات علمی و غیر هیات علمی گرفته تا فامیل و همسایه و دوست و آشنا و غیر آشنا. باور نمی‌کنید، هر کسی برای هر مشکلی ممکن است با کرمزاده تماس بگیرد، و او هم با حوصله کار را تا حل مشکل دنبال می‌کند. در بیشتر جلسات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که احساس کند برای مردم، شهر و مملکت مهم است و می‌تواند تاثیرگذار باشد، شرکت می‌کند. به همین دلیل هم برای انجام کارهای علمی تا ساعت ۳ یا ۴ صبح بیدار است (حتی همین الان که در دوران بازنشستگی به سر می‌برد).

این نوشته گوشه کوچکی از خدمات و نقش تاثیرگذار استاد است که در حافظه نگارنده مانده بود.

سایه‌اش مستدام

مهرداد نامداری

مردادماه سال ۱۴۰۱ خورشیدی